

Status of the Army and the Soldiers Duty Law at the Beginning of the Reign of Mohammad Reza Shah Pahlavi

Received: 2022/06/16

Accepted: 2022/08/24

Article type: Research Article

PP: 85-110

DOI:

10.22034/hir.2022.1267849.1168

Kouros Fathi

Assistant Professor of Farhangian University, Hakim Ferdowsi Alborz Campus, Department of Social Studies and History. Email: k.fathi@cfu.ac.ir

Masoud Adinehvand

PhD in History, Imam Khomeini International University (RA). Email: Masoud.adineh66@yahoo.com

Abstract

The transfer of power from Reza Shah to Mohammad Reza Pahlavi, which took place after the Allied invasion of Iran, caused a lot of damage to the country. The army and its main pillar (duty soldiers) were affected by this incident like other parts of the society and could not fulfill their historical duty of defending the homeland. However, considering the importance and necessity of the existence of the army and permanent soldiers as a tool for exercising authority and suppressing possible opposition in authoritarian governments, the political and military men in Foroughi's cabinet, Qavam and Sohaili, encouraged the institution of the army. Revival and duty system law should be amended and implemented. Investigating this incident is the subject of the present research. This article analyzes the situation of the army and the government's measures to revive it and re-enforce the conscription law in the beginning of the 1940s, using a descriptive-analytical method and relying on documents, negotiations and laws of the parliament and memories. The main question of the article is, what were the requirements and foundations for the revival of the conscription law after the removal of Reza Shah? The findings show that although the army took a passive stance against the developments of September 1940, the government's need for permanent military forces and the existence of the army as a deterrent institution, a tool to deal with possible dangers and suppress insecurity, led to reform and implementation. Conscription and conscription became the law, and the cabinets of this period took many measures in order to revive and restore the army, military law and improve the condition of soldiers.

Keywords: army, military, allies, 1320s, conscription law.

Citation (APA): Fathi, Kouros; Adinehvand. Masoud. (2022). Status of the Army and the Soldiers Duty Law at the Beginning of the Reign of Mohammad Reza Shah Pahlavi. *Quarterly of Police Historical Studies*, 9(33), PP. 85-110.
Doi: 10.22034/hir.2022.1267849.1168

علل و زمینه‌های احیای قانون نظام وظیفه در اوایل سلطنت محمدرضا شاه پهلوی

چکیده

انتقال قدرت از رضاشاه به محمدرضا پهلوی که به دنبال هجوم متفقین به ایران اتفاق افتاد، خسارات زیادی به کشور زد. ارتش و رکن اصلی آن (سربازان وظیفه) هم به مانند دیگر بخش‌های جامعه تحت تأثیر این رخداد قرار گرفت و نتوانست به وظیفه تاریخی خود در دفاع از خاک میهن عمل کند؛ اما نظر به اهمیت و ضرورت وجود ارتش و سربازان وظیفه به عنوان ابزاری برای اعمال اقتدار و سرکوب مخالفت‌های احتمالی در حکومت‌های اقتدارگرا، رجال سیاسی و نظامی در کابینه‌های فروغی، قوام و سهیلی را بر آن داشت تا نهاد ارتش را احیا و قانون نظام وظیفه اصلاح و مجدد اجرا گردد. بررسی این رخداد، مسئله تحقیق حاضر است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر اسناد، مذاکرات و قوانین مجلس و خاطرات به واکاوی وضعیت ارتش و اقدامات دولت برای احیای آن و اجرای دوباره قانون نظام وظیفه در آغاز دهه ۱۳۲۰ش می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله این است که الزامات و بسترهای احیای قانون نظام وظیفه در ابتدای سلطنت پهلوی دوم چه بود؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که گرچه ارتش در برابر تحولات شهریور ۱۳۲۰ موضع انفعالی گرفت، اما نیاز حکومت به قوای نظامی و وجود ارتش به مثابه نهادی بازدارنده، ابزاری برای مقابله با خطرات احتمالی و سرکوب ناامنی، منجر به اصلاح و اجرای قانون نظام وظیفه و سربازگیری شد و کابینه‌های این دوره اقدامات زیادی در راستای احیا و ترمیم ارتش، قانون سربازی و بهبود وضعیت سربازان انجام دادند.

کلیدواژه‌ها: ارتش، سربازی، متفقین، دهه ۱۳۲۰، قانون نظام وظیفه.

استناد (APA): فتحی، کوروش؛ آدینه‌وند، مسعود. (۱۴۰۱). **علل و زمینه‌های احیای قانون نظام وظیفه در اوایل سلطنت محمدرضا شاه پهلوی. فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی**، ۹(۳۳)، صص ۸۵-۱۱۰.
Doi: 10.22034/hir.2022.1267849.1168

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۸۵-۱۱۰

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/hir.2022.1267849.1168

کوروش فتحی

استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس حکیم فردوسی البرز، گروه آموزش مطالعات اجتماعی و تاریخ. پست الکترونیک: k.fathi@cfu.ac.ir

مسعود آدینه‌وند

دانش‌آموخته دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام. (نویسنده مسئول). پست الکترونیک:

Masoud.adineh66@yahoo.com

مقدمه

سربازی و نظامی‌گری در تشکیلات نظامی دوره‌های مختلف تاریخی ارزش و اهمیت زیادی داشته و در ایران از قدیمی‌ترین ایام، این موضوع مطمح نظر حکام و پادشاهان بوده و نظر به کار ویژه‌های قوای نظامی برای مقابله با ناآرامی‌های داخلی و تجاوزات مرزی در سرحدات، توجه خاصی به نهاد سپاه می‌شده است. در دولت‌های پیشامدرن و سنتی، گرچه از ایلات و مردم عادی هم سربازگیری می‌شد، اما همه مردم ملزم به انجام خدمت سربازی نبودند، بلکه گروه‌های خاصی برای حرفه سربازی تربیت می‌شدند و در مواقع جنگ با دشمنان و ناآرامی، هر منطقه تعدادی سرباز تهیه می‌کرد. با این حال، در دوران جدید ارتش منظم مبتنی بر سربازگیری به عنوان ابزاری برای تکوین و تحکیم دولت‌های مطلقه و متمرکز تأسیس شد. کودتای رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ش. در زمینه تغییر ماهیت ارتش، رخداد مهمی بوده و یکی از ارکان اصلی حکومت او به شمار می‌رفت. در سلطنت رضاشاه، هزینه‌های هنگفتی صرف توسعه و تقویت ارتش و افزایش نفرات زیر پرچم شد و ارتش و نظامیان به‌رغم عظمت ظاهری در این دوره، با وقوع جنگ دوم جهانی و هجوم متفقین به کشور، بعد از مقام سلطنت، اولین نهادی بود که به بیگانه پشت کرد؛ اما از آن جهت که وجود ارتش مجهز به سربازان زیر پرچم در پادگان‌ها تا این زمان، ذاتی دولت و حکومت شده بود و یکی از ارکان و الزامات حکومت به‌شمار می‌رفت، با فروکش کردن جنگ و استقرار دوباره سلطنت در ایران، بر فعالیت ارتش و آغاز مرحله جدید قانون سربازگیری تأکید شد و قانون نظام وظیفه با اصلاح برخی از مواد و فصل‌های آن دوباره به اجرا درآمد. از ابتدای دوره سلطنت محمدرضا شاه برای این مهم اصلاحات و اقدامات متعددی در ساختار ارتش اعمال گردید، هم به امکانات رفاهی و وضعیت عمومی سربازان وظیفه توجه بیشتری مبذول شد و هم بندهایی از قانون نظام وظیفه مورد بازنگری قرار گرفت. از این منظر اطلاع از فراز و فرود وضعیت سربازی و قانون نظام وظیفه در مقطع حساس سقوط رضاشاه تا استقرار محمدرضا شاه بر تخت سلطنت، نقش پررنگی در درک و شناخت تحولات نظامی دارد و ضرورت و

اهمیت پژوهش حاضر این است که اقدامات حکومت، رجال سیاسی - نظامی و نمایندگان مجلس بعد از شهریور ۱۳۲۰ را با هدف از سرگیری فعالیت ارتش و امر سربازگیری نشان می‌دهد و اصلاح قانون نظام وظیفه در اوایل این دهه، گواه روشنی بر وجود کاستی‌ها و نقایص قانون مذکور می‌باشد. با توجه به این مطالب، پرسش محوری نوشتار حاضر این است که زمینه‌های اصلاح و اجرای قانون نظام وظیفه در سال‌های نخست حکومت محمدرضا شاه چه بوده است؟ روش گردآوری مطالب و تدوین مقاله توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از اسناد، مذاکرات و قوانین مجلس و خاطرات می‌باشد.

پیشینه پژوهش

تاکنون درباره ارتش، قانون نظام وظیفه و خدمت سربازی در ایران پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ از جمله «ارتش و حکومت پهلوی» تألیف استفانی کرونین (۱۳۷۷) و «دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران» نوشته وحید سینیایی (۱۳۸۴) که بیشتر به ارتش و نقش این نهاد در ساختار دولت توجه کرده‌اند و کمتر به قانون نظام وظیفه در دهه ۱۳۲۰ ش. پرداخته‌اند. هدایت‌الله حکیم‌الهی در کتاب «با من به ارتش بیایید» (۱۳۲۷) به وضعیت سربازان و سربازگیری در دوره پهلوی و آسیب‌شناسی نهاد ارتش تمرکز کرده است. به علاوه مقالات زیادی هم در این زمینه نگاشته شده از جمله؛ «تاریخچه سربازگیری در ایران» از جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۴۶)، «شکل‌گیری نظام وظیفه در پیوند با پروژه ملت‌سازی حکومتی دوره پهلوی اول» نوشته محمد نیازی و وحید شالچی (۱۳۹۲)، «نظام اجباری» به قلم یحیی آریابخشایش (۱۳۸۸). در پژوهش‌های مذکور نیز به مسئله و موضوع این مقاله اشاره زیادی نشده است. سیروان خسروزاده در مقاله‌ای تحت عنوان «وضعیت و جایگاه اجتماعی نظامیان در دوره پهلوی اول و تأثیر آن بر واقعه شهریور ۱۳۲۰» (۱۳۹۸) به مناسبات سربازان با افسران، جایگاه اجتماعی قشون و تأثیر وضعیت عمومی و رفاهی سربازان وظیفه در ضعف و ناکارآمدی ارتش در آخر سلطنت رضاشاه پرداخته است. بدین ترتیب، مسئله این پژوهش یعنی اقدامات دولت‌های بعد از

شهریور ۱۳۲۰ در راستای اجرای قانون سربازی، احیای نهاد ارتش و پایان دادن به بحران نظامی کشور از دیده پژوهشگران پنهان مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نوشتار حاضر به الزامات و زمینه‌های ترمیم قانون نظام وظیفه و اجرای دوباره امر سربازگیری در شرایط و تحولات بعد از سقوط رضاشاه پهلوی می‌پردازد.

۱. ملاحظات نظری (جایگاه ارتش در حکومت‌های جدید)

یکی از مهمترین مفاهیم در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی جدید، دولت مطلقه^۱ است. درباره معنا و مفهوم این نوع از دولت، میان صاحب‌نظران اجماعی وجود ندارد و نظرات متفاوت است. دولت شیوه خاصی از سازمان‌دهی قدرت سیاسی است که در قلمرو یک سرزمین، اقتدار حکومتی برقرار می‌کند و از طریق مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌ها به اعمال این اقتدار می‌پردازد (Heywood, 2000: 39). برقراری تمرکز سیاسی و تکیه دولت به عنوان نظامی سیاسی بر مجموعه‌ای از وزارتخانه‌ها، نهادها و کارکنان پدیده‌ای نوظهور می‌باشد که طی فرآیند خاصی در تاریخ مدرن اروپا موجودیت یافت. درحالی که در جوامع پیشامدرن دولت به مثابه قدرت سیاسی برتر و دارای نظم قانونی و نهادی غیرشخصی وجود نداشت (وینسنت، ۱۳۷۱: ۲۷-۳۴).

مسئله قابل تأمل در دولت‌های جدید، رشد دیوانسالاری نظامی و اهمیت پدیده سربازی در آن بود. ارزش و اهمیت دولت‌های مطلقه به حدی است که دانشمندانی چون اندرسون، ماکس وبر، دو توکویل، پوجی و دیگران، تکوین دولت مطلقه را سرآغاز پیدایش دولت‌های مدرن دانسته‌اند. ابزار گستراندن و تثبیت این دولت‌ها بر قلمرو تحت حکومت خویش، اجرای قوانین و مقررات واحدی بود و در آن حاکم و شاه، از طریق وضع قوانین به صراحت تمامی جمعیت ساکن سرزمین را مورد خطاب قرار می‌داد. این مسئله ریشه در تحولات اروپای عصر جدید داشت. هدف دولت‌های جدید، برقراری نظم از طریق اعمال زور، اجرای قانون به وسیله بوروکراسی و ارتش بوده و پیدایش امر

1- Absolutist State.

سربازگیری و قانون نظام وظیفه نیز در همین راستا صورت گرفته است. دولت مدرن به مانند دیگر انواع دولت‌ها، بر ارکان و ستون‌هایی اتکا داشت؛ از جمله این پایه‌ها ارتش، بوروکراسی و دربارهای سلطنتی بوده‌اند. به نوشته پوجی:

«در وضعیت و بستر جدید سیاست، دولت‌هایی که تمایل به بقا داشتند و خواستار شکوفایی بودند، ناچار به داشتن ارتش دائمی و قدرتمند و یک ناوگان جنگی مجهز می‌باشند» (پوجی، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

حکومت‌های نظامی و پادگانی محصول شرایط خاصی هستند که در این قرن‌ها حاکم شده بود. در این حکومت‌ها تمام فعالیت‌های سازمان یافته، شکل دولتی به خود می‌گیرد و هیچ مجمع و انجمن سازمان یافته‌ای خارج از دستگاه‌های دولتی شکل نخواهد گرفت و دولت‌های جدید با اتکا بر ارتش و نظامیان به وجود آمده‌اند.

انقلاب فرانسه در این زمینه نقطه عطفی به‌شمار می‌رود. ارتش ملی برای اولین بار، در این کشور توسط لازار کارنو^۱ ابداع شد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۶۳). در سال ۱۷۹۳م. با وضع قانون وظیفه عمومی نطفه ارتش در اروپا تکمیل گردید (هالستی، ۱۳۸۰: ۹۹) و با این رویداد برای نخستین بار در تاریخ بود که تمام شهروندان یک کشور زیرپرچم واحد به سربازی جمع شدند. همگانی بودن خدمت نظام و بسیج عمومی، عبارت است از قانون مصوب کنوانسیون مورخ ۲۳ اوت ۱۷۹۳م. که برای نخستین بار در جهان اجباری شدن سربازی و نظامی‌گری سربازان وظیفه را از تصویب گذراند (می‌یر، ۱۳۷۱: ۸۵). این حادثه ارتش‌های توده‌ای را جایگزین ارتش‌های حرفه‌ای کرد (Hippler, 2008: 6)؛ بنابراین سربازی اجباری از میراث و دستاوردهای انقلاب فرانسه به‌شمار می‌رود و به تدریج در دیگر نقاط اروپا و جهان غیروپایی رواج پیدا کرد. در کتاب «جامعه‌شناسی جنگ و ارتش» آمده است:

«ارتش ملی به مفهوم جدید، طی انقلاب فرانسه ابداع شد. اصل نظام وظیفه عمومی ارتباط میان ارتش دولتی و ملت را تقویت می‌کرد. در سال‌های اول

1- Lazar Carnot.

انقلاب، سربازان، افسران خود را برمی‌گزیدند. به موجب قانون اساسی ۱۷۹۳م. هر فرانسوی سرباز ملی محسوب می‌شد. ارتش انقلابی فرانسه بدین علت توانست نقشه سیاسی اروپا را تغییر دهد که این ارتش به رغم ارتش‌های قدرت‌های پادشاهی مطلقه بر همگانی بودن خدمت نظام وظیفه و بسیج کلیه افراد ملت مبتنی بود» (می‌یر، ۱۳۷۱: ۸۴).

اصل نظام وظیفه همگانی و ایجاد ارتش ملی، موجب برقراری ارتباط بیشتر بین دولت و ملت شد و گرچه ابتدا مخالفت‌هایی در این زمینه صورت گرفت، اما نهایتاً مردم به عنوان شهروند ملزم به گذراندن این دوره شدند. فلسفه برقراری و وضع قانون نظام وظیفه عمومی و سربازی اجباری و همگانی به لزوم داشتن ارتش آماده و دائمی برای مقابله با بحران و غلبه بر دشمنان خارجی برمی‌گردد و دیگر نیازی نبود که همچون دوران قبل از انقلاب، در شرایط جنگ و بحران از ولگردان، مجرمان، زندانیان، بردگان و اسرا سرباز بگیرند (Hippler, 2008: 18). به عبارتی نظام وظیفه جزء ناگسستگی ارتش‌های مدرن محسوب می‌شود و با دولت‌های جدید ارتباط قوی دارد (سینایی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). این موضوع رابطه دولت با ملت را تغییر داده و برخلاف ارتش‌های پیشین، ارتش‌های جدید از شهروند-سربازان وفادار به حکومت مرکزی تشکیل می‌شد.

دیگر مسئله مهم در ارتباط با دولت‌های مطلقه و لزوم برقراری خدمت نظام وظیفه عمومی، پیدایش مفهوم ملت^۱ و ملی‌گرایی^۲ بود. گرچه درباره این مفاهیم تاکنون مطالب زیادی نوشته شده، قدر مسلم این است که در روزگار ما کمتر واژه‌ای به اندازه این مفاهیم، بحث‌انگیز بوده است. کاربردها و مفاهیم متفاوت و متضادی که این واژه‌ها در دوره‌های مختلف و در سرزمین‌های گوناگون داشته، معنا و کاربرد آنها را دستخوش ابهام کرده است. ملی‌گرایی و ملت و دولت - ملت، هر سه محصول تمدن مدرن هستند و سرچشمه‌های آنها به انقلاب صنعتی در اواخر قرن هجدهم میلادی باز می‌گردد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷).

1- Nation.

2- Nationalism.

۶۴۰). ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد که عامل پیوند آن یک فرهنگ و آگاهی مشترک است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و احساس وحدت میان افراد متعلق به آن واحد پدید می‌آید. ازجمله ویژگی‌های هر ملت، احساس مالکیت قلمرو جغرافیایی مشترک و احساس دل‌بستگی و وابستگی به سرزمین معین می‌باشد (آشوری، ۱۳۸۸: ۳۰۷-۳۰۶). ناسیونالیسم نوعی ایدئولوژی سیاسی است که در سده هجدهم در اروپای غربی شکل گرفته و ملت را واحد بنیادین تقسیم‌بندی جامعه بشری می‌داند. از این منظر ناسیونالیسم با حبّ وطن که در دوران قبلی نیز جود داشت؛ متفاوت بود. ناسیونالیسم پدیده‌ای کاملاً اجتماعی و جمعی به شمار می‌رفت (Doob, 1969: 6-8) که در آن احساس مشترک و وحدت می‌تواند ایفای نقش کند. قانون سربازگیری اجباری یکی از عوامل و ابزار نظامی نوین به شمار می‌رود که در شکل دادن به ملی‌گرایی سهم بسزایی داشته است (اسمیت، ۱۳۹۱: ۱۶۱). یکی از راه‌های تحقق ایده‌های مذکور و عوامل رشد استقلال و حفظ آن، دولتی کردن نهادهایی همچون ارتش بود.

سیاست یکپارچه‌سازی نظامی که در دولت‌های مطلقه از راه‌های مختلف به اجرا درآمد، نقش مهمی در تحولات داخلی و ساخت سیاسی- اجتماعی ایفا کرده است. دولت مطلقه برای ایجاد تغییر و تحول در جامعه از طریق وضع قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف برای نیل به این هدف را طراحی می‌کند و سپس از طریق ارتش و بوروکراسی به عملی کردن این نقشه‌ها می‌پردازد. این دولت‌ها خواستار شکوفایی و در پی بقا، ناچار به داشتن ارتش دائمی و قدرتمند بودند. از طرفی دولت‌های مطلقه از طریق شکل‌گیری و گسترش تمرکز قدرت در دربار، بوروکراسی و ارتش منظم به وجود آمدند (پوجی، ۱۳۸۰: ۱۳۰-۱۰۹). دولت‌های اقتدارگرا درصدد ایجاد وحدت و تمرکز در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اداری و وابسته به تأسیس یک ارتش بودند که رضاخان بعد از رسیدن به مقام وزارت جنگ به این مهم پرداخت. قانون سربازگیری و نظام وظیفه اجباری بخش مهمی از پروژه تأسیس دولت مطلقه به‌شمار می‌رفت.

۲. شهریور ۱۳۲۰ و نابسامانی در ساختار نظامی

اشغال ایران در جریان جنگ دوم جهانی از رخداد‌های ناگوار تاریخ معاصر کشور بوده که ساختار جامعه و حکومت پهلوی را تحت تأثیر قرار داد و یاد و خاطره ناخوشایند دوره جنگ اول جهانی را زنده کرد. گرچه در این حادثه، ایران به مانند جنگ اول جهانی اعلام بی‌طرفی نمود، اما این اعلام بی‌طرفی عملاً نادیده گرفته شد و متفقین از اطراف به کشور هجوم آوردند. قوای روس و انگلیس با تانک و توپ، تهدید و ارباب وارد خاک کشور شده و به دنبال آن قشون آمریکایی نیز داخل گردید (اعظام‌قدسی، ۱۳۴۹: ۸۶۱/۲-۸۶۰). اشغال ایران در این جنگ نقض بی‌طرفی و حاکمیت ملی کشور بود و در سایه آن خسارات مادی و معنوی فراوانی به کشور وارد گردید (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۷/۳). ساختار نظامی کشور هم از این حادثه صدمات زیادی دیده و رو به وخامت گذاشت.

گرچه ارتشی که از طریق سربازگیری به وجود آمد، قطعاً بزرگ بود اما به لحاظ کارایی، ناقص و به لحاظ روحیه در سطح پایینی قرار داشت و افراد وظیفه در وضعیت بدی به سر می‌بردند و بی‌انگیزگی سربازان معلول شرایط نامناسب مادی، فقدان برنامه‌های آموزشی صحیح و فضای ترس‌آلود دیکتاتوری و حکومت استبدادی عجین شده بود و اکثریت سربازان بی‌سواد و عمدتاً از نواحی روستایی و فقرای شهری بودند (کرونین، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۶۲). بمباران شهرها و رفتار منفعلانه سربازان و بسیاری از افسران نشان داد که این نهاد در سلطنت رضاشاه نه برای دفاع از مرزها، بلکه برای حفظ اقتدار خاندان سلطنتی و تثبیت دیکتاتوری پدید آمده بود و نمی‌توانست منطبق با نیازهای کشور باشد (ریشار، ۱۳۶۹: ۵۸). علت موضع انفعالی ارتش نیز به همین خاطر بود و عدم ذخیره جیره و مواجب نظامی و احتیاجات سربازان، نقیصه بزرگی به شمار می‌رفت. البته با هجوم متخاصمین به ایران، مقاومت‌هایی در نقاط مختلف کشور به‌ویژه در نواحی شمال و شمال غرب کشور صورت گرفت، منتها به علل مختلف از جمله کمبود سرباز و اسلحه و مهمات جنگی، ضعف نظامی، فقدان مشی مشخص در میان فرماندهان و عدم رویکرد دفاعی مشخص، منجر به

فروپاشی ارتش شد. بعد از آنکه قوای روس، شهرهای تبریز، رشت، قزوین و اطراف را گرفته و به سوی تهران رهسپار شدند؛ در ششم شهریورماه، فرمان ترک مقاومت به یگان‌های ارتش و پادگان‌ها و سربازخانه‌های کشور ابلاغ گردید (کاظمی و البرز، ۱۳۵۵: ۲۲۷). به دنبال ابلاغ دستور شورای ستاد جنگ مبنی بر ترک مقاومت و مرخص کردن سربازان، فرماندهان لشکرها آن را اجرا کرده و افراد با منظره اسفانگیزی محل خدمت را ترک و به مناطق خود بازگشتند (قدیمی، ۱۳۲۶، ۱۳۵). بدین ترتیب، نظامیان که قرار بود حافظ نظم و امنیت باشند و در راه دفاع از میهن حتی جان خود را از دست دهند، فرار را بر قرار ترجیح دادند. افسران و امرای ارتش قبل از همه به جنبش کوچ که درواقع فرار از محل خدمت بود، پیوستند (کسروی، ۱۳۲۳: ۴۰). بسیاری از افسران در لباس دهقانی و جامه و چادر زنانه گریختند و از انجام وظیفه خود شانه خالی کردند. (ریاحی، ۱۳۷۱: ۶۴۲). با فرار بسیاری از فرماندهان و عدم استقامت اکثریت آنان، طبیعتاً سربازان از ادامه خدمت صرف‌نظر کرده و به خانه‌هایشان برگشتند. البته استثنائاتی هم وجود داشتند که با هر انگیزه‌ای ترجیح می‌دادند مقاومت نمایند، منتها در مقابل موج ناامیدی‌ها ناچیز بود.

در ۸ شهریور ۱۳۲۰، فرماندهان رده‌بالای ارتش جلسه‌ای در ستاد ارتش تشکیل دادند و تصمیم گرفتند که نیروهای زیرپرچم را که توانایی مقابله با متفقین نداشتند، مرخص کنند. البته ستاد ارتش و باشگاه افسران ابتدا درصدد بوده تا سربازان کشور را به نقاط مرزی اعزام نمایند، اما با مشخص شدن اوضاع و اطلاع از حمله متفقین و اشغال کشور اعلامیه‌ای در ۶۶ ماده تنظیم کرد که ویرانی تأسیسات نظامی و تخریب آنها، علاوه بر تهران در شهرهای مختلف کشور را به اطلاع رساند که این موضوع بر تشویش عموم می‌افزود و اضطراب مردم و تشویش نظام وظیفه شدت گرفت (ستایش، ۱۳۸۲: ۳۱-۲۷). سرلشکر نخجوان وزیر جنگ پیشنهاد داد به جای سربازان با وضع نامطلوب، سرباز داوطلب با حقوق مکفی بگیرند (مؤیدامینی، ۱۳۲۱: ۱۷۲). در گیرودار تحولات شهریور ۱۳۲۰، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) که سال‌ها به اجبار از سیاست کنار گذاشته شد، مجدداً روی کار آمد و با گشایش مجلس تا ۱۷ اسفند این

سال منصب نخست‌وزیری را بر عهده داشت (دولت‌های ایران از میرزا نصراله-خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی، ۱۳۷۹: ۱۸۶-۱۸۳). در کابینه او بود که دستور بی‌طرفی و عدم مقاومت ارتش صادر شد. سرتیپ احمد نخجوان وزیر جنگ کابینه فروغی انگلوفیل، بدون مشورت با شاه، نیروهای وظیفه را منحل کرد تا مقدمه‌ای باشد برای تأسیس لشکری از داوطلبان خدمت و در نتیجه هزاران نفر از سربازان، پادگان‌هایشان را ترک کردند. در ولایات اوضاع بدتر بود و به محض رسیدن خبر انحلال نیروهای وظیفه به آنجا، سربازان عمدتاً به روستاهایشان بازگشتند و افسران هم از ترس اسارت دلیلی نمی‌دیدند سر جای خود بمانند (ارفع، ۱۳۹۵: ۳۶۸). از طرفی وقتی خبر حمله روس‌ها به شهرهای شمالی ایران، به تهران رسید اعلامیه مرخصی صادر شده و آنها در همین روز به خانه‌های خود برگشتند (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۴۳۲-۴۳۱). اعلامیه مذکور به معنای لغو قانون سربازگیری اجباری بود و منجر به تعطیلی سربازخانه‌ها و تعطیلی موقتی پادگان‌ها بود.

به نوشته سپهبد رزم‌آرا یکی از فرماندهان ارشد ارتش رضاشاه، سربازان آرام و بی‌صدا از تهران به سوی قم به راه افتادند (رزم‌آرا، ۱۳۸۲: ۱۳۸). وضعیت ناخوشایند نظامی را منابع و شاهدان خارجی نیز تأیید کرده‌اند؛ اکثر پادگان‌ها رها شده و شاه دیگر قدرت آن را نداشت که سربازان را گرد هم آورد. ترک خدمت سربازان در اکثر شهرهای ایران و نقاطی که ساختمان نظامی دایر بود، گسترش یافت (استوارت، ۱۳۷۰: ۳۱۵-۲۸۹). بحران شهریور ۱۳۲۰ش و بی‌نظمی ولایات مختلف کشور در امور اداری و نظامی، دال بر این بود که احتمال شورش و انقلاب می‌رود. با فروپاشی ارتش بار دیگر نیروهای گریز از مرکز و ایلات و عشایر در چهارگوشه کشور مجدداً قدرت گرفته و تسلیحات ارتش به دست آنها افتاد. این گروه جمعیتی فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی خود را از سر گرفتند و بار دیگر موجی از استقلال‌طلبی در میان آنها رواج یافت (فوران، ۱۳۸۸: ۴۰۲). در چنین شرایطی بود که رضاشاه از کشور خارج شده و شیراز امور نظامی کشور از هم گسیخت و ترتیب سربازگیری پس از چندین سال از بین رفت. بالاین حال نظر به کارویژه‌های قانون نظام وظیفه و ارتش

دائمی متکی بر سربازان وظیفه به مثابه ابرازی برای اعمال اقتدار، حکومت و کابینه‌های وقت را بر آن داشته تا به این موضوع توجه کنند و برای احیای آن تدابیر مختلفی به کار گیرند که در این جا به اهم آنها اشاره می‌شود.

۱.۲ احیای ارتش و اجرای دوباره قانون نظام وظیفه

گرچه تحولات پس از شهریور ۱۳۲۰ ارکان تشکیلات نظامی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد، اما تا این زمان، وجود ارتش واحد و سربازان وظیفه به رکن مهم و ابزار ضروری تداوم حکومت بدل شده بود. نقش کلیدی نهاد ارتش و جایگاه قانون نظام وظیفه در آن و اهمیت نهاد مذکور در تثبیت حاکمیت پهلوی، برخی از رجال سیاسی و نظامی را بر آن داشت که ساختار نهاد مذکور را سامان دهند. این بار مرکز ثقل ارتش برخلاف دوره رضاشاه نه وزارت جنگ، ستاد ارتش بود که زیر نظر افسرانی چون ارفع و رزم‌آرا فعالیت داشت. شاه جوان ارتش را نه تنها برای انجام امور نظامی و برقراری نظم و قانون، بلکه به عنوان یک ابزار استراتژیک در دست سلطنت مورد توجه قرار داد. محمدرضا شاه از ارتش برای مداخله در سیاست و جناح‌بازی‌های داخلی بهره برد و آن را به مهم‌ترین دل‌بستگی سیاسی خود بدل کرد (عظیمی، ۱۳۷۰: ۳۳-۳۰). در نتیجه طرح بازسازی ارتش آغاز و به دستور شاه برنامه‌های متعددی برای اجرای قانون نظام وظیفه از جمله استخدام، ترفیع، سربازگیری و اعزام، آموزش، بسیج، تدارکات و امور رفاهی و غیره و از سرگیری فعالیت پادگان‌ها به اجرا گذاشته شد (سینایی، ۱۳۸۴: ۳۸۵). در ادامه به دستور شاه چندین لشکر در بهبهان، اهواز، کرمانشاه و لرستان به وجود آمد (کاظمی و البرز، ۱۳۵۵: ۲۸۵). سپس قانون نظام وظیفه مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت و با آغاز سربازگیری و خدمت اجباری، بسیاری از سربازخانه‌ها و پادگان‌های خالی از سرباز و تخریب شده در نتیجه هجوم متفقین، مجدداً ترمیم و از افسران و سربازان پر شد. کار بازسازی ارتش و اجرای قانون سربازی تا اواسط دهه ۳۲۰ ش. ادامه پیدا کرد.

۲.۲ مسئلهٔ سربازگیری و نظام وظیفه در مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی که در سلطنت رضاشاه به نهادی غیرمستقل و ابزاری برای تثبیت سلطنت بدل شده بود، با استعفا و خروج او از کشور فرصتی یافت که بار دیگر تجربه فعالیت نسبتاً مستقلانه را از سر گیرد. با افتتاح مجلس، ازجمله مهم‌ترین و مبرم‌ترین مسائل کشور که برای رفع بحران‌های دیگر ضروری به نظر می‌رسید و مورد توجه مجلسیان قرار گرفت، ترمیم وضعیت «نظام وظیفه» و امر «سربازگیری» بود. گرچه بسیاری از فرماندهان ارتش و سربازان که به دشمن پشت کرده و گریخته بودند، محاکمه نشدند و به مناصب مهمی رسیدند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۴۳/۱)، اما فرار سربازان و فرماندهان ارتش، بزرگترین علامت ضعف مدیریتی و ناکارآمدی ساختار قشون بود و شاه جدید برای قبضه کردن ارتش و احیای سیستم سربازی اجباری دست به کار شد.

با گشایش مجلس سیزدهم و تلاش‌های محمدرضا شاه برای جلب توجه مردم و حفظ موقعیت برتر خود به ویژه در دست داشتن ارتش و قوای مسلح کشور، او سعی کرد افسران ارتش را به خود نزدیک و ارتش را سازمان‌دهی کند. ضروری‌ترین مسئله پیشروی ارتش، گردآوری مجدد نیروی انسانی بود و او تصمیم گرفت بسیج چند صد هزار نفری ارتش را از طریق منفورترین سیاست‌پدرش در این زمینه یعنی سربازگیری انجام دهد (کرونین، ۱۳۹۴: ۱۸۲). در این مجلس نمایندگان به چهار حزب عمده و فراکسیون مشخص تعلق داشتند؛ فراکسیون اتحاد ملی، میهن، آذربایجان و عدالت که هر یک به ارتش و امور ذی‌ربط آن توجه کردند. در عمر این مجلس کابینه‌های سه‌پیلی و قوام روی کار آمدند و در این مدت کابینه‌های مجلس، دربار و شاه در مورد امور داخلی مملکت به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۲۸-۲۱۶). در مجلس شورای ملی، وضعیت نامناسب نظامی و بحران نیروی انسانی در ارتش باعث گردید که نمایندگان، قانون قبلی نظام وظیفه را مورد بازنگری قرار دهند.

در تیرماه ۱۳۲۱ ش. ده ماه بعد از برکناری رضاشاه و در ادامه تدابیری که محمدرضا شاه جوان، دربار و نخبگان نظامی برای انتظام امور مربوط به قشون

به کار گرفته بودند، نمایندگان مجلس شورای ملی نیز از ضرورت اصلاح برخی از مواد قانون نظام وظیفه بحث کردند. گرچه مخالفت‌های زیاد به‌ویژه از جانب ایلات و عشایر با مأموران سربازگیری و قانون نظام وظیفه ابراز می‌شد (ساکما، ۲۹۳/۱۶۳۹)، اما در این سال‌ها، نیروهای اجتماعی می‌خواستند تکلیف ارتش را که ابزار اصلی سرکوب در عصر پهلوی اول به شمار می‌رفت؛ معین کنند. اگرچه ایلات و عشایر با اجرای سربازگیری اجباری مخالفت کردند و بخش زیادی از مردم کشور نیز خواهان احیا و اجرای قانون سربازی نبودند، اما قانون مذکور دوباره جریان پیدا کرد. ناآرامی‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش. و فقدان یک نیروی نظامی کافی و کارآمد در کشور، انفعال نظامیان و تعطیلی قانون نظام وظیفه، نمایندگان و رجال سیاسی و نظامی را بر آن داشت که برای تجدید حیات یک ارتش مقتدر، قانون مذکور را بار دیگر به اجرا گذارند. بعد از ناگواری‌های شهریورماه، این بار ستاد ارتش شروع به بازسازی نیروهای خود کرد و شاه و افسران هم بر احیای سامانه و سیستم قدیمی نظامی تأکید کردند؛ یعنی ارتش بزرگ و متکی بر افراد وظیفه زیرپرچم تحت نظر شاه جدید.

نمایندگان در یکی از جلسات مجلس به انتقاد از نحوه رفتار مأموران سربازگیری و فرماندهان ارتش و وضعیت نامناسب سربازان پرداختند. ازجمله ایراداتی که به قانون مذکور گرفتند، بحث معافیت‌ها بود که در قانون ۱۳۰۴ ش. اقشار مختلفی از خدمت سربازی معاف بودند و در قانون‌های بعدی یعنی ۱۳۱۰ و ۱۳۱۷ ش. کنار گذاشته شد. اوحدی از اعضای کمیسیون عدلیه اشاره کرد اگر ابتدای سربازگیری در فروردین ۱۳۲۱ باشد با فصل کشاورزی مصادف می‌شود، از وزیر جنگ تقاضا کرده که سربازگیری در مهرماه انجام شود. همچنین خواستار معافیت تحصیل‌کرده‌ها شد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره سیزدهم، جلسه شصت و شش، صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۷ تیرماه ۱۳۲۱). با این حال، بیشتر نمایندگان نظام وظیفه اجباری را برای دفاع از میهن و برقراری نظم داخلی لازم و ضروری می‌دانستند و ضمن تأکید بر عمومیت آن و رفع تبعیض، بیشتر در نحوه اجرا و موعد سربازگیری اختلاف نظر داشتند. اکثر نمایندگان در مجلس، بر ضرورت اجرای سربازگیری و حتی افزایش مدت

خدمت تأکید کردند. به نظر آنها باید «در سایه سر نیزه سربازان از حدود و ثغور کشور محافظت کرد» (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره سیزدهم، جلسه شصت‌وشش، صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۷ تیرماه ۱۳۲۱).

آقای اعتبار از دیگر نمایندگان مجلس شورای ملی، به‌رغم آنکه که ذات این قانون را برای مملکت امری ضروری دانست، سخنانی خطاب به وزیر جنگ و ستاد ارتش و دیگر نمایندگان ایراد کرد. وی ضمن انتقاد از وجود سواران محلی که از مردم پول می‌گرفتند و اینکه وجود سربازی برای از بین بردن ضابط محلی بوده است درباره فصل سربازی معتقد بود موعد سربازی را باید در فصل زمستان تعیین کرد که فصل کشاورزی و کار رعیتی نیست و به بخش اقتصادی ضربه‌ای وارد نمی‌شود. هاشم ملک‌مدنی یکی دیگر از نمایندگان خواستار اصلاح قانون نظام وظیفه و تقلیل مدت خدمت از دو ساله به یک سال بود و اشاره کرده که برای رتق و فتق امور نظامی و دفاع از کشور و برقراری امنیت، تعداد مشمولین در صورت کاهش مدت سربازی، تعداد مشمولین کفایت می‌کند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره سیزدهم، جلسه شصت‌وشش، صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۷ تیرماه ۱۳۲۱). وی نیز از رفتار سربازگیران و فرماندهان انتقاد کرد. به‌هرحال، در این جلسه به انتقاداتی از برخی مواد و تبصره‌های قانون نظام وظیفه و برخی از نواقص آن بحث شد و باتوجه به کمبود زمان و مسائل دیگر، مذاکرات مربوطه به جلسه بعدی موکول گردید.

در جلسه ۶۷ مجلس سیزدهم نیز نمایندگان مذاکرات خود را در این روز به بحث پیرامون این قانون اختصاص دادند. آنان گرچه مانند قبل، قانون مذکور را برای دفاع از مصالح کشور و تمامیت ارضی لازم و ضروری می‌دیدند، اما برخی از مواد این قانون را نارسا و ناقص دانستند. در این جلسه آقای نراقی در سخنرانی طولانی خود معایب و روند سربازگیری، اشاعه مفاسد اخلاقی، فقدان بهداشت و امکانات رفاهی و مدت زمان سربازی زیر پرچم و شرایط نامناسب سربازان که در نارضایتی آنان سهم عمده داشت را به نمایندگان گوشزد کرد. امان‌الله جهانبانی، وزیر جنگ ضمن تقدیر از نمایندگان موافق با اجرای قانون نظام وظیفه و توانایی و اقتدار ارتش متکی بر سربازان وظیفه، بر عدم تبعیض

در اجرای این قانون و یکسان بودن مدت خدمت مشمولین فقیر و غنی به وظایف سربازان در راه دفاع از وطن اشاره کرد. او با تحسین این قانون، به خودساختگی سربازان و استفاده از این دوره برای پرورش عادات پسندیده و تقویت نیروی ایمان و اخلاق و توانایی بدنی جوانان اشاره نمود و اینکه سربازان باید خود را برای مقابله با هرگونه مشقت و سختی آماده نمایند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۶۷، روز سه‌شنبه نهم تیرماه ۱۳۲۱).

در جلسه بعدی مجلس، بعد از قرائت مواد قانون نظام وظیفه هر جا لازم بود که اصلاحاتی در آن صورت بگیرد، بین نمایندگان مذاکراتی صورت گرفت. آقای طاهری و مخبر کمیسیون اشاره کردند باید موسم معرفی مشمولین دقیقاً قید شود و به موجب آئین‌نامه باید در زمانی تنظیم گردد که کمترین ضربه به اقتصاد و تولید کشور وارد گردد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه شصت و هشت، روز یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۲۱). در ادامه عده‌ای فصل بهار و عده‌ای زمستان را پیشنهاد دادند. در این جلسه، عمده انتقاد نمایندگان از قانون سربازگیری مربوط به قانون ۱۳۱۷ ش. بود. بعد از این جلسه، لایحه به کمیسیون برده شد و مجدداً در چندین جلسه بعد مذاکراتی راجع به نظام وظیفه به انجام رسید. علی دشتی با دفاع از این قانون و ضرورت اجرای آن برای دفاع از مملکت و ضمن اشاره به بی‌رغبتی جوانان نسبت به سربازی و فرار از آن، از وجود بی‌نظمی و اجرای ناصحیح آن یاد کرد. او دولت را مقصر این وضعیت و بدبینی معرفی کرد که مانع از انتشار وضعیت سربازان و بی‌نظمی پادگان‌ها و نارضایتی عموم از این قانون می‌شدند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره سیزدهم، جلسه هشتاد و هفت، روز سه‌شنبه ۲۴ شهریورماه ۱۳۲۱). بدین ترتیب او از نقش دولت و دولتمردان سیاسی و نظامی در انتظام امور و بهبود وضعیت ارتش و اجرای صحیح و منطقی قانون نظام وظیفه یاد کرده است.

پس از مذاکرات فراوان، در پایان سال ۱۳۲۱ ش قانون جدید نظام وظیفه طرح و به تصویب رسید. بازسازی ارتش و اجرای قانون نظام وظیفه، در

کابینه‌های قوام‌السلطنه و سهیلی صورت پذیرفت. نخستین بحران عمده بین قوام‌السلطنه و مجلس به هنگام ارائه لایحه اصلاح قانون نظام وظیفه رخ داد. گرچه در کابینه اول علی سهیلی مذاکرات زیادی صورت گرفته بود، نمایندگان اشاره کردند که قصد تجدیدنظر در لایحه را دارند، درحالی‌که قوام خواستار تصویب بدون تغییر مواد لایحه آن بود، اما در ادامه، انتقادات علی دشتی و سخنرانی در دفاع از حاکمیت مجلس، قوام به‌ناچار لایحه را برگرداند (عظیمی، ۱۳۷۰: ۹۳-۹۲). مجدداً لایحه در بهمن‌ماه به مجلس برگشته و مورد شور واقع شد و ماده‌های ۲۳ تا ۶۹ آن قانون به تصویب و تأیید نمایندگان مجلس رسید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۱۲۸، روز سه‌شنبه ۶ بهمن ۱۳۲۱). این لایحه همچنان مورد اختلاف برخی از نمایندگان بوده و عمده آنان نه به خود قانون، بلکه بیشتر به نحوه اجرای آن، رفتار مأموران سربازگیری، مدت زمان و فصل سربازگیری و تبصره‌های معافیتی آن اعتراض داشتند.

۳. اصلاح قانون نظام وظیفه و مهم‌ترین مفاد آن

آخرین مشورت‌ها و مذاکرات بین نمایندگان بر سر لایحه نظام وظیفه در آخر اسفندماه ۱۳۲۱ انجام شده و در نتیجه ضرورت وجود سربازان در پادگان‌ها عاقبت بعد از یک دوره تقریباً نه ماهه رکود سربازی و سربازگیری و در نتیجه خالی شدن سربازخانه‌ها، قانون نظام وظیفه به شکل جدیدتری به تصویب رسید. در قانون جدید نظام وظیفه که بیشتر یک اصلاحیه به شمار می‌رفت، فصل اول آن (کلیات) طبق قانون سال ۱۳۱۷ش. بود. این اصلاحیه با فصل دوم و مناطق سربازگیری آغاز می‌شود. طبق ماده بیست و سوم این قانون:

«در هر یک از مراکز لشکری کشور بنا بر پیشنهاد اداره نظام وظیفه و تصویب وزارت جنگ یک منطقه سربازگیری تشکیل می‌شود» (مجموعه قوانین و مصوبات دوره سیزدهم قانون‌گذاری، ۱۳۲۱: ۲۹).

بدین ترتیب، دیگر وظیفه فرمانده نظامی استان‌ها را نادیده گرفته بود و با تحت کنترل درآوردن این امر به اداره نظام وظیفه سعی داشت نظم بیشتری در

امر سربازگیری برقرار گردد. همین‌طور طبق ماده ۲۴ این قانون، برخلاف قانون ۱۳۱۷ش. که در مناطق مختلف یک مجلس سربازگیری اصلی وجود داشت، چند حوزه اصلی و فرعی برای سربازگیری در نظر گرفته شد. در فصل سوم قانون نظام وظیفه یعنی احضار مشمولین هم اصلاحاتی به انجام رسید که نحوه فراخوانی و ثبت نام مشمولین و معرفی آنها به اداره نظام وظیفه در مناطق سکونت خود را در برمی‌گرفت. به‌علاوه جابجایی‌هایی در مواد قانون شکل گرفته بود. مثلاً در ماده ۵۳ قانون ۱۳۱۷ش. به صدور برگ‌های شناسنامه جهت سربازی اشاره می‌کرد، اما در این ماده از قانون جدید، گفته شده بود که:

«مشمولینی که اطلاعات فنی و تخصصی خود را در موقع رسیدگی مکتوم نمایند، پس از اثبات کتمان پیشه، مدت سه ماه خدمت آنان تمدید یافته و در پیشه خودشان مورد استفاده ارتش خواهند شد» (مجموعه قوانین و مصوبات دوره سیزدهم قانون‌گذاری، ۱۳۲۱: ۳۱).

درباره سربازگیری و مجالس آن هم تغییراتی در قانون جدید به چشم می‌خورد. طبق ماده ۵۶ این قانون، بدون قید زمان و فصل اعزام مشمولین گفته شد:

«مجلس سربازگیری در حوزه‌های اصلی در مرکز شهرستان‌ها به ریاست فرماندار و در مرکز بخش‌ها به ریاست بخشدار و معاونت و نظارت رئیس حوزه سربازگیری و عضویت نمایندگان ادارات آمار و ثبت احوال - دادگستری - ژاندارمری - شهرداری شهرداری و دو نفر پزشک نظامی و دو نفر نمایندگان انجمن شهرداری تشکیل می‌گردد. تبصره ۱: حضور تمام نمایندگان بالا در مجلس سربازگیری حوزه اصلی منوط به این است که ادارات مربوط به آنها و وکلای انجمن شهرداری در محل موجود باشد. تبصره ۲: مجالس سربازگیری در حوزه‌های فرعی به‌طور سیار مرکب از نمایندگان فرمانداری و حوزه سربازگیری و یک نفر معتمد محل و افسر مأمور قسمت و لااقل یک نفر پزشک نظامی در موقع گرفتن سرباز تشکیل می‌شوند» (مجموعه قوانین و مصوبات دوره سیزدهم قانون‌گذاری، ۱۳۲۱: ۳۲).

این قانون در فصل‌های بعدی نیز به معافیت‌ها پرداخته و اصلاحاتی در آن ایجاد کرد. با توجه به ناکارآمدی‌هایی که در قانون‌های قبلی نظام وظیفه وجود داشت و نواقصی که در عمل از سربازان دیده شده بود، در ماده شصتم اشاره شد:

«مشمولین زیر در اثر علل مزاجی یا نقض اعضاء بنا بر معاینه و تشخیص دو پزشک نظامی برای همیشه از انجام خدمت وظیفه معاف می‌باشند: ۱ - نابینایان از یک یا دو چشم ۲ - قوزی ۳ - کر ۴ - لال ۵ - شل و چلاق ۶ - یک دست ۷ - فاقدین شصت یا سبابه دست راست ۸ - اشخاص کوتاه قد که قد آنها از ۱۵۰ سانتیمتر کمتر باشد ۹ - اشخاص مسلول یا مبتلایان به بیماری‌های علاج‌ناپذیر. ۱۰ - معیوبین از دو چشم که از عهده خدمات نظامی برنایند» (مجموعه قوانین و مصوبات دوره سیزدهم قانون‌گذاری، ۱۳۲۱: ۳۴-۳۳).

در حالی که دامنه معافیت‌ها در سلطنت رضاشاه محدودتر بود و با توجه به هدف دولت و حاکمیت در فراخواندن جوانان حتی ناقص‌العضو به سربازی، افراد کمتری از خدمت سربازی معاف بودند. در قسمت متکلفین هم برخی از مواد قانون پیشین نظام وظیفه اصلاح گردیده بود. چنانچه در ماده ۱۶۷ این قانون قید شده است، از تاریخ اجرای این قانون، چهل‌ونه ماده قانون خدمت نظام وظیفه مصوب ۲۹ خردادماه ۱۳۱۷ ملغی شد.

یک مسئله مهم در این اصلاحیه قانون نظام وظیفه، معافیت روحانیت و علما بود. طبق فصل هشتم این قانون در مورد این دسته از افراد جامعه گفته شد:

«اشخاص زیر به واسطه موقعیت خود از انجام خدمت وظیفه معاف می‌باشند: ۱ - حکام شرع مجاز به اجتهاد و یا فتوا از مراجع تقلید و یا مراجع فتوا. ۲ - علماء درجه اول مذاهب زرتشتی و کلیمی و مسیحی. تبصره ۱ - اعتبار مدارک مربوط به این قبیل اشخاص منوط به گواهی شورای عالی فرهنگ است. تبصره ۲ - دانشجویان (طلاب) علوم دینی که مطابق برنامه

وزارت فرهنگ مشمول تحصیل هستند مشمول ماده ۷۲ و ۷۳ این قانون خواهند بود» (مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره سیزدهم قانون گذاری، ۱۳۲۱: ۳۵).

بنابراین مجدداً بسیاری از علما نه تنها از خدمت سربازی بلکه از دوره آموزش نظامی و زیر پرچم نیز معاف شدند. مصوبه جدید به قانون سال ۱۳۰۴ ش. بیشتر شباهت داشت تا ۱۳۱۷ شمسی. البته طلاب علوم دینی باید به محض فراغت از تحصیل به سربازی می‌رفتند.

بعد از تصویب قانون جدید نظام وظیفه، مأموران سربازگیری و مسئولین وزارت جنگ در نقاط مختلف به اجرای آن پرداختند و مردم مخالف مجدداً با اکراه قانون مذکور را پذیرا شدند. گرچه تا مدت‌ها کار سربازگیری چندان خوب پیش نمی‌رفت و در دهه ۱۳۲۰ ش. موجی از شکوائیه‌ها و عرایض در نارضایتی از روند اجرا و وضعیت معیشت خود و سربازان به مجلس می‌فرستادند^۱ و حکومت صرفاً به فکر افزایش تعداد سربازان بود. تحولات داخلی از جمله ناآرامی‌های فارس و آذربایجان و کردستان هم مزید بر علت شد و با اتکا بر سربازان، به رفع این غائله‌ها پرداخت. به‌هرحال نظام سربازگیری همچنان وجود داشت و رکن اصلی تأمین نیروی انسانی ارتش به شمار می‌رفت. بار عمده فشار و مشقت را سربازان وظیفه به دوش می‌کشیدند. آنها که قسمت اعظم نیروی ارتش را تشکیل می‌دادند، نه با اشتیاق و حتی انگیزه‌های مادی، بلکه تنها با زور و اجبار و با تحمیل انواع محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، ناگزیر به خدمت سربازی بودند. روابط و مناسبات طبقاتی موجود در جامعه، در اینجا هم انعکاس داشت همچون بیگاری، اختناق، تحقیر، سرکوب شخصیت‌ها و غیره سربازان از حداقل امکانات معاش محروم بودند (نحوه سربازگیری و آموزش در ارتش شاهنشاهی، ۱۳۵۹: ۷). به‌هرحال بعد از اصلاح برخی مواد قانون نظام وظیفه دولت با ارسال بخشنامه‌ها به ولایات و بهره‌گیری از کمک کدخدایان،

۱- این موضوع به خاطر وضعیت نامطلوب عمومی، ضعف امکانات رفاهی سربازان وظیفه و سوءاستفاده فرماندهان و افسران ارتش از آنها در سال‌های سلطنت رضاشاه بود و ذهنیت و خاطرات مطلوبی از سربازگیری اجباری با رفتار نادرست مأموران اجرای این قانون نداشتند. (برای اطلاع از این روند، ر. ک به خسروزاده، سروان، «وضعیت و جایگاه اجتماعی نظامیان در دوره پهلوی اول و تأثیر آن بر واقعه شهریور ۱۳۲۰»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۲۰-۹۹)

امر سربازگیری قانون نظام وظیفه را به اجرا درآورد (ساکما، ۱۳۵۰/۶۴۳۲) و تا اوایل دهه ۱۳۳۰ش. تغییر مهمی در امر سربازگیری و نظام وظیفه صورت نگرفت.

نتیجه‌گیری

نظام وظیفه عمومی و تأمین سرباز با اجرای این قانون، در دوره پهلوی راه اصلی برای گردآوری نیروی انسانی مورد نیاز ارتش بود و به‌رغم مخالفت‌ها در سلطنت رضاشاه، قانون مذکور به اجرا درآمد. واکنش افسران ارتش در قبال تحولات شهریورماه، منجر به از هم گسیختگی و ترک خدمت سربازان وظیفه شد. این موضوع تأثیرات مخربی در تضعیف روحیه نظامیان بر جای گذاشت و با برکناری و تبعید رضاشاه، فعالیت ارتش و اجرای قانون نظام وظیفه برای مدتی در محاق فرو رفت، اما نظر به اهمیت نهاد مذکور و ضرورت وجود ارتش منظم و واحد برای تحکیم مبانی قدرت و سرکوب خطرات احتمالی با روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، مسئله بازسازی و احیای قوای نظامی کشور بار دیگر اهمیت یافت. محمدرضاشاه به ارتش به مثابه ابزار اصلی اعمال اقتدار می‌نگریست و دغدغه آن را داشت که نهاد ارتش و نیروهای نظامی را احیا کند تا با تکیه بر آن روند تثبیت و تحکیم قدرت خویش را سرعت بخشد. در نتیجه بعد از آنکه ایران به اشغال متفقین درآمد، در کابینه‌های سهیلی و قوام‌السلطنه به ضرورت اصلاح و تغییر مؤلفه‌های قانون نظام وظیفه از جمله سربازگیری، موعد اعزام و شرایط مشمولین، معافیت‌ها، مدت خدمت، آموزش، بسیج، تدارکات و امور رفاهی و حقوقی و غیره به از سرگیری فعالیت پادگان‌ها بیش از پیش توجه شد. هم‌زمان تعداد سربازان هم افزایش پیدا کرد و چندین سربازخانه و پادگان در نقاط مختلف کشور به وجود آمد. قانون نظام وظیفه مصوب دوره رضاشاه نیز مورد بازبینی قرار گرفت و در موادی که بیشتر مخالفت‌ها با آن ابراز می‌شد، تغییراتی به وجود آمد؛ مانند افزایش حوزه‌های سربازگیری، معافیت مشمولین به ویژه طلاب علوم دینی، فصل سربازگیری و توجه به امور کشاورزی رعایا و اینکه در فصل زمستان سربازگیری کنند، بهبود

وضعیت تغذیه و امور رفاهی سربازان و کاهش بیگاری گرفتن از آنها و غیره. البته این موضوع تنها در برخی از حوزه‌ها و ولایات انجام می‌شد و ساختار سیاسی اقتدارگرا، عدم استقلال نهادی ارتش و استثمار سربازان وظیفه به وسیله فرماندهان مانع از پویایی و کارآیی آنها می‌شد. رفتار آمرانه فرماندهان ارشد با سربازان وظیفه، کمبود امکانات رفاهی و مسائل حقوقی و فقدان برنامه‌های آموزشی و تربیتی صحیح برای سربازان، عاملی بود که در بدبینی و نارضایتی سربازان سهم عمده داشت. این مسائل در دهه ۱۳۲۰ش. به‌رغم اصلاح قانون نظام وظیفه عمومی همچنان تداوم یافت و یکی از عوامل تنفر جوانان و بسیاری از اқشار به‌ویژه روستائیان و عشایر از اجرای این قانون به شمار می‌رفت.

منابع

کتاب فارسی

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۸)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه محمدابراهیم فتاحی و احمد گل محمدی، تهران، نی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۸)، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید.
- ارفع، حسن (۱۳۹۵)، در خدمت پنج سلطان، ترجمه مانی صالحی، تهران، ماهی.
- استوارت، ریچارد. ا (۱۳۷۰)، در آخرین روزهای رضاشاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، معین.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۹۱)، ناسیونالیسم و مدرنیسم، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، ثالث.
- اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، (۱۳۸۹)، ج ۲، به کوشش علیرضا روحانی و ابوالفضل ایزدی‌زاده، زیر نظر مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، تهران، خانه کتاب
- اعظام‌قدسی، حسن (۱۳۴۹)، خاطرات من: روشن شدن ره صدساله، ج ۲، تهران، ابوریحان.
- امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳)، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نی.
- پوجی، جان فرانکو (۱۳۸۰)، تکوین دولت مدرن، ترجمه بهزاد باشی، تهران، آگاه.
- رزم‌آرا، علی (۱۳۸۲)، خاطرات و اسناد سپهبد حاج علی رزم‌آرا، به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات، تهران، شیرازه.
- ریاحی، منوچهر (۱۳۷۱)، سراب زندگی، تهران، انتشارات تهران.
- ریشار، جان (۱۳۶۹)، ایران و اقتباس‌های فرهنگی شرق از مغرب زمین، ترجمه ابوالحسن سرو قدم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ستایش، محمود (۱۳۸۲)، برگی از تاریخ معاصر ایران، تهران، ورجاوند.
- سینایی، وحید (۱۳۸۴)، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۹، تهران، کویر.

- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۰)، بحران دموکراسی در ایران: ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران، البرز.
- فوران، جان (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
- قدیمی، ذبیح‌الله (۱۳۲۶)، تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران، تهران، بانک ملی ایران.
- کاظمی، محمد و البرز، منوچهر، (۱۳۵۵)، تاریخ پنجاه‌ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، به اهتمام علی وزیری، تهران، نیروی زمینی شاهنشاهی.
- کرونین، استفانی (۱۳۹۴)، ارتش و دولت‌سازی در خاورمیانه، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران، وزارت امور خارجه.
- کسروی، احمد (۱۳۲۳)، افسران ما، تهران: بی‌جا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی.
- مؤیدامینی، داود (۱۳۲۱)، از سوم تا بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰، تهران، بی‌نا.
- می‌یر، پیتیر (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ارتش و جنگ، ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی، تهران، قومس.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷)، تاریخ سیاسی بیست‌وپنج ساله ایران، ج ۱، تهران، رسا.
- نحوه سربازگیری و آموزش در ارتش شاهنشاهی (۱۳۵۹)، تهران، خلق.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی.
- هالستی، کی. جی (۱۳۸۰)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- خسروزاده، سیروان (۱۳۹۸)، وضعیت و جایگاه اجتماعی نظامیان در دوره پهلوی اول و تأثیر آن بر واقعه شهریور ۱۳۲۰، دوفصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۹ (۲)، بهار و تابستان، صص ۹۹-۱۲۰، قابل بازیابی از:

https://socialhistory.ihcs.ac.ir/article_4064.html

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شناسه سند ۳۵۰/۶۴۳۲: ۲۹۳/۱۶۳۹.
- مذاکرات و قوانین مجلس

- مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره سیزدهم، جلسه شصت‌وشش، صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۷ تیرماه ۱۳۲۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۶۷، سه‌شنبه ۹ تیرماه ۱۳۲۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۶۸، یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۲۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۸۷، سه‌شنبه ۲۴ شهریورماه ۱۳۲۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۱۲۸، سه‌شنبه ۶ بهمن ۱۳۲۱.
- مجموعه قوانین و مصوبات دوره پنجم قانون‌گذاری (۱۳۵۰)، تهران، مطبعه مجلس.
- مجموعه قوانین و مصوبات دوره سیزدهم قانون‌گذاری (۱۳۲۱)، تهران، چاپخانه مجلس.

انگلیسی

- Doob, Ieniard (1969), Patriotism and Nationalism, New haven and London, Yale UP.
- Heywood, Andrew (2000), Key concepts in politics, London, Mac Milan press limited.
- Hippler. Thomas (2008), Citizens, Soldiers and National Armies: Military Service in France and Germany 1789-1830, London, Routledge/Taylor & Francis Group.

